

فریدون برکشلی: | کانون‌های پر چالش بازار جهانی نفت در سال ۲۰۱۹

[کانون‌های پر چالش بازار جهانی نفت در سال ۲۰۱۹](#)



سال ۲۰۱۹ میلادی برای بازار جهانی نفت پرحادثه بود، اما تا آنجا که به روند قیمت‌ها مربوط می‌شد، تاثیرات آن بر بازار جهانی ضعیف و کم دوام بود. وقایعی که در اواسط دهه می‌توانست بازار را به شدت متاثر سازد، اینک در اواخر دهه دوم قرن بیستویکم تاثیر اندکی بر بازار بر جای گذاشته. در واقع ۲۰۱۹ کم‌وبیش همان‌گونه پایان یافت که آغاز شده بود. تحولات مهمی در روند قیمت‌ها که دلمشغولی اصلی تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، معامله‌گران و تحلیلگران بازار است، دیده نشد. البته در آخرین ساعات پایانی ۲۰۱۹ و آغاز دهه سوم قرن بیست و یکم، قیمت جهانی نفت به ناگاه با جهشی غیرقابل پیش‌بینی قیمت هر بشکه نفت خام برنت را از مرز ۷۰ دلار عبور داد و رکوردی را ثبت کرد که از ۲۰۱۸ تجربه نشده بود.

تحولات در حوزه تقاضای جهانی نفت

ورود به بحث را از طرف تقاضا آغاز می‌کنیم. نبرد تجاری آمریکا و چین، بحث تازه‌ای نیست، اما آغاز تصمیم‌ها و عملیاتی ساختن پاره‌ای اقدام‌ها را حتی تا اوایل ۲۰۱۸ کمتر کسی باور داشت. چین پس از آمریکا، بزرگ‌ترین ذخایر دلار جهان را در اختیار دارد. بحث تغییر یا اصلاح موازنه تجاری آمریکا با چین به اوایل دهه ۱۹۹۰ و دوران زمامداری کلینتون بازمی‌گردد. فدرال رزرو همواره نگران بود که چین قادر است با حجم بالای ذخایر ارزی خود آمریکا را با بحران مالی غیرقابل جبرانی مواجه سازد. چین با ۱.۲۷ تریلیون دلار خود می‌توانست ارزش پول آمریکا را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. البته اقتصاد چین هم متقابلاً سخت آسیب می‌دید و بزرگ‌ترین بازار دنیا را از دست می‌داد.

نهایتاً آقای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، با شروع ملایم تهدیدها از ۲۰۱۸، متعاقباً در ۲۰۱۹ با اعمال تعرفه‌های جدید و

البته اندک بر روی واردات ۱۵۰ قلم اجناس چینی به آمریکا، بر روند رشد اقتصادی چین تأثیرات منفی گذاشت. هدف ترامپ ایجاد موازنه در تراز تجاری مابین دو کشور و اصلاح نرخ برابری یوان و دلار، به نحوی است که صادرات اجناس آمریکایی به چین مقرون به صرفه شود.

میدانم که برای یک تحلیلگر نفتی اوپک‌گرا، مرسوم نیست که بحث بازار را از طرف تقاضا شروع کند. ما سال‌ها بحث بازار نفت را از طرف عرضه آغاز می‌کردیم. این شاید خود پیامی است که دوران عرضه‌سالاری با معضلاتی روبه‌رو است که بدان خواهیم پرداخت.

در دهه اول و بخش مهمی از دهه دوم قرن ۲۱ رشد اقتصاد چین، موتور رشد مصرف و تقاضای جهانی نفت بود و البته کماکان هم هست، اما با روندی رو به کاهش و علائم نگران‌کننده در مورد دامنه آن. در واقع تحولات اقتصادی چین، کانون و محور رشد اقتصادی کشورهایی چون کره جنوبی، سنگاپور، تایلند، فیلیپین و بلکه ژاپن و حتی اتحادیه اروپا هم هست. روند رو به کاهش و قدری نامطمئن رشد چین، دامنه گسترده‌ای دارد که اتفاقاً، آمریکا خواهان و بلکه تعویق آن است. ترامپ معتقد است اروپا و آسیا توسعه خود را مدیون اقتصاد آمریکا هستند و حالا که اقتصاد آمریکا نیاز به جهش تازه‌ای دارد، سایر کشورها باید برای آن هزینه کنند.

از این رو در آستانه پایان دهه دوم قرن جاری، دلمشغولی اصلی بازار جهانی نفت تزلزل تقاضاست. در واقع آینده مبهم تقاضا، مشکلی فراتر از کاهش تقاضاست چراکه کاهشها مقطعی است. این ابهام در کاهش تقاضای نفت، شامل اقتصاد آمریکا هم هست. اعمال تعرفه‌های جدید بر واردات چین در واقع از جانب مصرف‌کنندگان آمریکایی پرداخت و هزینه می‌شود. این تهدیدی برای قدرت خرید مصرف‌کنندگان آمریکایی است که حالا درآمد کمتری برای مخارج خود شامل بنزین و انرژی در اختیار دارند. در درازمدت تولید محصولات وارداتی از چین در داخل آمریکا مقرون‌به‌صرفه خواهد شد، اما این فرایندی طولانی است که می‌تواند تا یک دهه یا بیشتر طول بکشد.

چالش‌های بخش عرضه

در طرف عرضه، پدیده نفت خام (و گاز) شیل یا نفت خام‌های غیرمتعارف، موضوعی است که تا اواسط دهه دوم قرن ۲۱ هم جدی گرفته نمی‌شد. تولید نفت شیل در مدت کمتر از پنج سال، آمریکا را پس از ۷۰ سال از یک کشور واردکننده خالص نفت خام به یک صادرکننده خالص

مبدل کرد. در مدت زمانی کوتاه ۷ میلیون بشکه در روز نفت جدید وارد بازار شد، البته با هزینه بالا، فناوری گران و بسیار پرهزینه برای محیط زیست.

در همین حال آمریکا تولید نفت خام متعارف خود را هم در اواخر اکتبر ۲۰۱۹ به میزان ۱۰۳ میلیون بشکه در روز افزایش داد. آقای ترامپ همچنین بی‌توجه به مخالفان بهره‌برداری نفت از مناطق حفاظت‌شده آلاسکا، بدون مجوز کنگره دستور آزادسازی عملیات اکتشاف را در مناطقی که حتی در اوج بحران نفتی ۱۹۷۳-۷۵ اجازه بهره‌برداری نیافته بودند، صادر کرد.

در چنین شرایطی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بخشی از اسرار ناگفته خود را آشکار ساخت. مجموعه هسته اصلی اوپک که شامل پنج عضو مؤسس و ۶ عضو غیر مؤسس هستند، هرگز در تاریخ ۶۰ ساله خود نتوانسته بیش از ۳۳.۴ میلیون بشکه در روز و به‌طور مداوم تولید کند. در حقیقت بخش اعظم ظرفیت تولید اوپک در دورانی ایجاد شد که شرکت‌های نفتی بین‌المللی در کشورها حضور داشتند. از اوایل دهه ۱۹۷۰ که کشورها با ترغیب سرهنگ قذافی شرکت‌های بین‌المللی را خلع ید کرده و شرکت‌های ملی نفت یکی پس از دیگری شکل گرفتند، سرمایه‌گذاری‌ها و ظرفیت‌سازی‌ها در جهت جبران افت طبیعی چاه‌ها بود و عملاً افزایش ظرفیت مهمی انجام نشد. این در حالی است که شرکت‌های ملی نفت دائماً از کشف ذخایر جدید گزارش منتشر می‌کنند. کشفیات تازه منجر به ظرفیت‌سازی قابل‌توجهی در هیچ‌یک از کشورهای عضو اوپک نشد. در همین حال کشورهای غیرعضو اوپک مرتباً ظرفیت‌سازی‌های جدیدی داشته‌اند. ظرفیت‌سازی‌های جدید تولیدکنندگان خارج از اوپک عمدتاً در فدراسیون روسیه و جمهوری‌های آسیای میانه و قفقاز صورت گرفته است.

همکاری تولیدکنندگان اوپک و غیراوپک

در چنین بستری از ساختارهای ناهنجار و نگران‌کننده بازار ناشی از ابهام و ضعف در طرف تقاضا و کم‌توانی سازمان اوپک بود که روسیه پس از دو دهه کثوقوس به توافق و همکاری با سازمان اوپک تن داد. لازم است به این نکته توجه شود که در واقع اول بار جمهوری اسلامی ایران موضوع ضرورت و اهمیت جلب همکاری بین اوپک و تولیدکنندگان غیر اوپک را مطرح کرد. در یکی از اجلاس، ایران به‌صورت رسمی پیشنهاد عضویت جمهوری آذربایجان را مطرح کرد که توسط عربستان سعودی و تو شد.

منشور همکاری که بر پایه آن در سپتامبر ۲۰۱۸ با توافق کاهش ۱.۲ میلیون بشکه در روز از تولید جمعی اوپک پلاس شروع شد در ۵-۶ دسامبر ۲۰۱۹ با تضمین تعهدات جدید از سوی اعضا به ویژه عربستان سعودی و با حمایت جمهوری اسلامی ایران عمق بیشتری پیدا کرد.

البته با خروج قطر و متعاقبا اکوادور از اول ژانویه ۲۰۲۰، جابه جایی کمی در اعداد حاصل شد، اما توافق در مجموع پیام مثبتی را به بازار داد که در واقع نیاز مبرمی به آن از اوایل ۲۰۱۹ احساس می شد. اجلاس ۱۷۷ اوپک این پیام را به بازار داد که تولیدکنندگان نفت خام های متعارف نسبت به ثبات بازار در جهت تامین خواست های تولیدکنندگان و مصرف کنندگان عزم راسخ دارند.

حال که به نفت شیل اشاره کردیم، لازم است اشاره کنم که نمایندگان از شرکت های تولیدکننده شیل در اجلاس ۵-۶ دسامبر اوپک و اوپک پلاس حضور داشتند و مذاکرات را با جدیت دنبال می کردند. گفته می شود که هم اکنون شیل با قیمت جهانی نفت ۴۰ دلار می تواند تولید شود، اما البته حاشیه سود پایین است و انگیزه برای سرمایه گذاری های بیشتر ضعیف است، بنابراین تولیدکنندگان شیل که عموماً شرکت های متوسط و کوچک هستند و مقاومت آنها در مقابل نوسانات قیمت محدود است، می خواهند از شرایط بازار مطمئن شوند. نفت خام شیل هنوز در بازارهای بین المللی امتحان خود را پس نداده است. نفت خام بسیار سبکی است با درجه ۵۰ API و پالایشگاه های کمی در جهان و حتی آمریکای شمالی با آن راحت هستند.

آرامکو و اجلاس ۱۷۷ اوپک

اجلاس عادی وزرای نفت اوپک و اوپک پلاس در ۵ و ۶ دسامبر در سال ۲۰۱۹، سخت با عرضه اولیه عمومی آرامکو IPO گره خورد. موضوع خصوصی سازی و بین المللی سازی آرامکو بزرگترین شرکت نفتی جهان از اواسط ۲۰۱۵ عنوان و بسیار بحث انگیز شد. بدیهی است که قیمت جهانی نفت بر ارزش سهام آرامکو موثر است. عربستان از ماه ها قبل برای تقویت بازار جهانی و به تبع آن ارزش سهام آرامکو تلاش بسیار کرد. بحث هایی در مورد دعوت از شرکت های نفتی روسیه برای خرید درصدی از سهام آرامکو هم در میان بود. روسیه هم می کوشید تا با گره زدن عرضه اولیه عمومی آرامکو با توافقات اوپک پلاس امتیازاتی به دست آورد. دولت عربستان تنها ۷۲ ساعت قبل از اعلام نهایی با داخلی کردن عرضه آرامکو، روسیه را از دسترسی به سهامی از آرامکو دور نگه داشت.

در هر صورت، اقدام عربستان در خصوصی سازی بخش کوچکی از سهام آرامکو حرکتی جسورانه بود، اما اجلاس ۱۷۷ اوپک هم با قضیه آرامکو گره خورده بود. تصمیم عربستان برای خصوصی سازی و بین المللی سازی آرامکو بود، لیکن با توجه به شرایط بازار جهانی نفت و وقایعی که در تاسیسات عملیاتی شرکت مزبور پیش آمد، آرامکو به عرضه اولیه ۱.۵ در صد از سهام خود به صورت داخلی بسنده کرد.

ژئوپولیتیک نفت

تحولات ژئوپولیتیک همیشه در بازار جهانی تاثیرگذار بوده است. حمله عوامل ناشناس به تاسیسات بقیق در بنادر عربستان، به ناگاه نزدیک به ۶ میلیون بشکه نفت عربستان را عملاً از مدار عرضه خارج کرد، اما واکنش بازار از مرز افزایش ۳.۲ درصدی قیمت ها برای مدتی کوتاه فراتر نرفت. آرامکو بیش از ۱۱۰ میلیون بشکه ذخایر نفتی آماده تحویل دارد، بنابراین شرکت توانست تعهدات خود در قبال مشتریان را انجام دهد، اما تا بیش از یک هفته پس از انفجارها کسی نمی دانست آرامکو در چه بازه زمانی قادر به بازسازی و تعمیرات تاسیسات آسیب دیده است.

این پیام مهمی برای تولیدکنندگان و بازار در پی داشت. اطمینان بازار از عرضه کافی نفت عامل مهمی است. وقایعی که در شرایط متعارف می تواند قیمت ها را تا حد زیادی جابه جا کند در شرایط اطمینان از عرضه، تاثیر کمی بر بازار نفت می تواند داشته باشد. در واقع ریسک ناشی از تحولات ژئوپولیتیک تحت تاثیر شرایط تقاضا و عرضه، ماهیت متفاوتی پیدا کرده و ساختارها نقش تعیین کننده ای را در اختیار گرفته اند. در این میان نقش و موقعیت سفته بازان و بورس بازان نفتی در مقابل هجوم مستمر و بی وقفه شرکت ای.تی و فن آوران تازه وارد تا حدی حاشیه ای شده است.

محیط زیست: از واقعیت تا تخیل

۲۰۱۹ را می توان سال فعالان محیط زیست هم نامید. مخالفان سوخت های فسیلی در تمام طول سال ۲۰۱۹، لحظه ای از حمله و سرزنش سوخت های فسیلی درنگ نکردند. باید اذعان کرد که اوپک و تولیدکنندگان نفت و گاز در این زمینه منفعل عمل کردند. اوپک و اوپک پلاس خود را در شرایط عذرخواهی ضمنی می دیدند. شاید در آینده و با رشد تکنولوژی پانل های خورشیدی پاک تر شوند، اما با همین استدلال، سوخت های فسیلی هم می توانند با استفاده از فناوری های نوین پاک تر شوند.

طرفداران و لابی‌های انرژی‌های نو با آمادگی و برنامه‌ریزی‌شده به میدان آمدند و از این رو دبیرخانه اوپک هم لازم است آمادگی خود را به نمایش گذارد. این آمادگی صرفاً روابط عمومی و تبلیغات نیست. نفت (و گاز) باید تقاضای جدید و کاربردهای جدید برای خودش تعریف کند. صنعت نفت نمی‌تواند و نباید در انتظار عملکرد، کامیابی‌ها و ناکامی‌های خودروسازان و اقبال عمومی مصرف‌کنندگان به خودروهای برقی باقی بماند.

۲۰۲۰ و بازار جهانی نفت

به‌طوری که اشاره شد، ۲۰۲۰ سالی پرچالش خواهد بود، سالی همراه با بیم و امید برای تولیدکنندگان نفت. راه‌های پیش روی اوپک محدودند و هریک با دشواری‌های خاص خود مواجه است.

آیا روسیه به پایبندی خود ادامه خواهد داد. روسیه به چه میزان و تا کجا به تعهدات خود در قبال منشور همکاری با اوپک ادامه خواهد داد.

تا اینجا کار پیداست که برای روسیه وسوسه سهم باز جدی است. روسیه بی‌وقفه در حال گسترش بازارهای خویش است. نگاه روسیه به بازار نفت خیلی متأثر از دیدگاهش در ارتباط با گاز است. یعنی صادرات نفت و بازارهای هدف را در عمق نگاه استراتژیک خود قرار داده است. این بدان معناست که برای مسکو، خویشتنداری در تولید نفت، هزینه استراتژیک بالایی دارد. روسیه انتظار دارد که عربستان این هزینه استراتژیک روسیه را در قبال پایبندی تحمل کند.

به عبارت دیگر روسیه انتظار دارد عربستان و سازمان اوپک نقش تولیدکننده شناور را برای روسیه ایفا کنند. یعنی اوپک با یک شناوری جمعی برای حفظ موقعیت سهم بازار روسیه وارد عمل شود.

دامنه تحمل عربستان از تخلفات احتمالی روسیه و دیگر اعضای اوپک پلاس یکی از کانونی‌ترین نگرانی‌های اوپک در ۲۰۲۰ خواهد بود. آیا عربستان، روسیه و سایر اعضای گروه وحدت نفت به یک جنگ تمام عیار قیمت تن خواهند داد. در صورتی که هر یک از اعضای اصلی از دامنه تحمل بقیه عبور کند، احتمال شرایطی مشابه اواسط دهه ۱۹۸۰ محتمل است.

در صورت وقوع چنین جنگی، سرنوشت نفت شیل به کجا خواهد انجامید. دانیال یرگین معتقد است که تولید شیل در قیمت زیر ۴۰ دلار در بشکه

در کمتر از ۶ ماه به ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت و آنگاه بازگشت آن به سطح قبلی نزدیک به محال است.

آینده آرامکو و عرضه سهام آن که رهبران عربستان آینده کشور را به آن گره زده‌اند مهم‌ترین برگ برنده رقبای عربستان در اوپک پلاس خواهد بود.

فریدون برکشلی، مدیرگروه مطالعات انرژی وین